

انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری: آسیب‌شناسی تحلیل‌ها

عمید رضا اکبری^۱

دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۰، پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۵، صفحه ۱۸۳ تا ۲۱۲

چکیده

احمد بن حسین غضائری عالم شیعی بغدادی سده ۴ و ۵ق صاحب تألیفاتی در زمینه رجال و کتاب‌شناسی، و از جمله، اثری با نام کتاب الضعفاء بوده است. شیخ طوسی خبر می‌دهد با مرگ زود هنگام ابن غضائری آثار وی از میان رفته، و با این حال، نجاشی از آن‌ها مطالبی روایت کرده است. در اعصار بعد بزرگان مکتب حله و جبل عامل و پسینیان ایشان کتابی با نام الضعفاء و در انتساب به ابن غضائری را روایت، و غالباً به اقوال مندرج در آن اعتماد نموده‌اند. این روایت و این اعتماد با نقدها و تردیدهایی نیز همراه شده است. غالب این تردیدها تا پیش از دوران معاصر نتیجه شک در اصالت کتاب نبود؛ ولی در دوره معاصر برخی انتساب اثر موجود را به ابن غضائری منکر شدند. در مطالعه پیش‌رو می‌خواهیم با مروری بر سیر تحول دیدگاه‌ها درباره کتاب الضعفاء و آسیب‌شناسی آن‌ها نشان دهیم انکار اصالت اثر و انتساب آن به ابن غضائری فاقد مستندات کافی است و پیروان چنین دیدگاهی بایسته‌های اعتبارسنجی کتب و شرائط عمومی نسخه‌ها را در نظر نگرفته‌اند. چنان که خواهیم دید، گزارش‌های تاریخی مرتبط با ابن غضائری و آرائش مؤید نسبت کتاب الضعفاء به او است و بررسی تطبیقی محتوای اثر با قرائن مختلف در منابع فرق و رجال نیز نشان از آن دارد که نویسنده کتاب یک عالم امامی محتاط است؛ ویژگی‌هایی که با آراء رجالی منقول از ابن غضائری تطبیق دارد.

کلید واژه‌ها: ابن غضائری، کتاب الضعفاء، نجاشی، اعتبارسنجی.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری علوم حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.

ar.akbari913@gmail.com

درآمد

یکی از منابع رجال شیعه اثری است که در دوران معاصر غالباً با نام کتاب رجال ابن غضائری یاد، و محتمل دانسته می‌شود بازمانده اثری با نام کتاب *الضعفاء* از احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری باشد. نسخه موجود از این کتاب برگرفته از نسخه‌ای است که عالم شیعی حله احمد بن طاووس (د ۶۷۳ق) آن را صریح به ابن غضائری نسبت داده (ابن طاووس، ۱۴۰۸ق، ۲۵). و محتوایش را در ضمن کتاب خود *حل الاشکال فی معرفة الرجال* درج کرده است. آن‌گاه ملا عبدالله شوشتری عالم رجالی عصر صفوی (د ۱۰۲۱ق) مطالب منقول از ابن غضائری را از *حل الاشکال* استخراج نموده، و دوباره با عنوان *الضعفاء* به آن صورت اثری مستقل بخشیده است (قهپایی، ۱۳۶۴ش، ۱۰؛ نیز نک: درایتی، ۱۳۹۰ش، ۹۸۶).

این اثر قضاوت‌های منتسب به ابن غضائری را درباره ۱۵۹ راوی شیعی از دوران اهل بیت (ع) تا سده ۴ق بازمی‌تاباند؛ قضاوت‌هایی که با کاربرد اصطلاحاتی منسجم و ضابطه‌مند سبب ضعف راوی را اعم از فساد عقیده، دروغ‌پردازی در نقل یا سوء حفظ مشخص، و به جرح و تعدیل و توثیق یا مسامحه‌کاری و بی‌دقتی راویان تصریح می‌کند، میان راویانی با نام مشترک تمییز می‌نهد، طبقه راویان را بازمی‌نماید، تألیفات حدیثی هریک را معرفی می‌کند و رجال ساختگی و آثار مجعول، و حتی برخی از روایات معتبر متهمان را بازمی‌شناساند (نک: جلالی، ۱۳۸۳ش، سراسر اثر).

گذشته از جرح و تعدیل‌های خود ابن غضائری، در کتاب گزارش‌هایی تاریخی دیده می‌شود که در آثار دیگر بازتابی نیافته است. افزون بر این، اسباب و عللی که مؤلف اثر در جرح راویان ذکر می‌کند از اهمیت ویژه‌ای برای درک تاریخ حدیث شیعی در اعصار متقدم برخوردار است. این اثر اطلاعاتی را در مورد برخی راویان به دست می‌دهد که در دیگر منابع رجالی و تاریخی پیدا نمی‌شود.

طرح مسأله

انگاره کثرت جرح رجال مشهور و معتبر شیعی در کتاب *الضعفاء*، گزارش‌های حاکی از

نابودی آن و ناممکن شدن انتقالش به آیندگان، و ناشناختگی نسخه‌های کهن کتاب طی ۲۰۰ سال از عصر مزعوم تألیف آن تا دوران این طاووس موجب شده است از زمان بازسازی دوباره اثر در سده ۱۰ق تا کنون بحث‌های فراوانی درباره اعتبار گزارش‌های مندرج در کتاب و بازشناسی مؤلف آن دنبال شوند؛ بحث‌هایی که تا دوران معاصر هم‌چنان استمرار یافته‌اند.

از میان آثار دربردارنده این مباحث کم‌تر می‌توان مطالعه‌ای را یافت که در آن با نگاهی در زمانی سیر تاریخی نگرش‌ها به اصالت و اعتبار کتاب الضعفاء ابن غضائری بازخوانی شده باشد. برای نمونه، از آخرین پژوهش‌های مرتبط مقاله اخیر محمدرضا آرام با عنوان «جایگاه علمی رجال ابن غضائری نزد علماء رجال از سده پنجم هجری تا کنون» را می‌توان یاد کرد که برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد او درباره ابن غضائری است (نک: منابع).

مطالعه آرام گرچه نتیجه کوششی پیش‌گامانه در این مسیر تلقی می‌شود، همه آراء رجالی در بازه زمانی یادشده را دربر نمی‌گیرد. برای نمونه، از میان آراء قداماً تنها به ذکر نظر چهار تن پرداخته، و به اقتضای موضوعش از منابع غیررجالی کم‌تر بهره برده است. افزون بر این، پژوهش‌های دو دهه اخیر درباره ابن غضائری و اثرش نیز در آن بازتاب ندارد. برای نمونه، در آن هیچ اشاره‌ای به مطالعات درباره ماهیت اجتهادی جرح و تعدیل ابن غضائری (نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، فصل ۱-۶) یا شواهد حاکی از درستی جرح‌های او (جلالی، ۱۳۸۳ش، ۵۹-۸۳؛ نیز نک: اکبری، همان، فصل ۲-۳) نشده است. به نظر می‌رسد که این مطالعات می‌توانستند موضع منفی آرام را نسبت به کتاب الضعفاء (نک: آرام، ۱۳۹۸ش، ۴۸) تعدیل کند.

افزون بر این، در کوشش‌ها برای اصالت‌سنجی کتاب الضعفاء کم‌تر نشانی می‌توان از بررسی تطبیقی متن اثر با دیگر آثار مرتبط یافت. البته، پاشایی در مقاله «تحلیل و نقد نظریه شوستری درباره آراء رجالی ابن غضائری» جدولی تطبیقی در مقایسه آراء ابن غضائری و دیگر رجالیان ارائه داده (پاشایی، ۱۳۹۷ش، ۳۱۹-۳۳۳)، ولی به تحلیل آن نپرداخته است.

مجموع آنچه گفته شد ایجاب می‌کند سیر تحول دیدگاه‌ها درباره اصل کتاب *الضعفاء* و انتساب آن به مؤلفش بازکاویده شوند. مطالعه پیش‌رو در صدد پی‌گیری همین امر است. می‌خواهیم در آن، اولاً، دریابیم با گذر زمان آراء عالمان شیعی درباره اصلت و اعتبار نسخه بازمانده از کتاب رجالی منتسب به ابن غضائری چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؛ ثانیاً، چه عواملی در شکل‌گیری دیدگاه‌های جدید یا تغییر نگرش‌ها به اثر دخیل بوده‌اند؛ و ثالثاً، در دوران معاصر و با تکیه بر مجموع مطالعات انجام‌شده در این زمینه کدام دیدگاه‌ها هنوز قابل دفاع، و کدام‌ها ضعیف به نظر می‌رسند.

۱. رویکردهای مختلف به اصلت رجال ابن غضائری و تضعیفات او

عالمان شیعه در رویارویی با ابن غضائری و آراء رجالی و اثر منتسب به وی چند رویکرد مختلف در پیش گرفته‌اند. برخی انتساب اثر به ابن غضائری را پذیرا شده، و با محتوای آن نیز موافقت کرده‌اند. برخی انتساب اثر به ابن غضائری را پذیرا شده، و در عین حال آراء مؤلف را در نقد برخی رجال شیعی برتافته‌اند، برخی انتساب اثر به مؤلف را پذیرفته، و به شیوه کلی مؤلف در نقد رجال یا حتی وثاقت او منتقدانه نگریسته‌اند، و سرآخر، برخی نیز اصل انتساب اثر به ابن غضائری را انکار نموده‌اند.

الف) اقبال معاصران ابن غضائری به آثار او

از معاصران ابن غضائری، شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) آثار رجالی وی را یاد می‌کند و آن‌ها را مهم و ارزشمند می‌شناساند؛ گرچه توضیح می‌دهد به سبب نابودی این آثار پس از مرگ زودهنگام مؤلف‌شان به آن‌ها دسترسی ندارد (نک: شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲). اگر بپذیریم کتاب *الضعفاء* باقی‌مانده کنونی اثر ابن غضائری است، می‌توانیم برای این رویکرد مثبت وجهی بیابیم؛ چه، مقایسه قضاوت‌های رجالی شیخ طوسی در آثار مختلفش نیز با آنچه در کتاب *الضعفاء* از ابن غضائری نقل شده است نشان از تشابه مبانی آن دو در جرح و تعدیل راویان دارد (نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، بخش ۲-۴-۱؛ نیز نک: قهپایی، ۱۳۶۴ش، ۱/ ۱۰۸).

معاصر دیگر ابن غضائری یعنی نجاشی (د ۴۵۰ق) نیز فراوان به دیدگاه‌های او استناد می‌جوید؛ دیدگاه‌هایی که لزوماً همه آن‌ها را در کتاب *الضعفاء* ندیده است. او در موارد متعددی می‌گوید که

اثری از قدما را ندیده است و بعد به گزارش ابن غضائری درباره آن کتاب و نسخه‌اش تکیه می‌کند (برای نمونه، قس: نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۲۱۷؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰، ش، ۷۶؛ نیز نک: شمشیری، ۱۳۸۵، ش، ۱۱۶).

افزون بر این، نجاشی در ۲۷ مورد نیز به آراء ابن غضائری در جرح و تعدیل استناد می‌کند. از این میان، مضمون مواردی از آن‌ها را که مربوط به تضعیفات است، می‌توان در کتاب الضعفاء بازیافت (برای نمونه، قس: نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۱۱، ۳۷، ۵۲؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰، ش، ۵۶، ۶۶، ۴۸). در موارد دیگری نیز نجاشی با تعبیر «بعض اصحابنا» یا مشابه آن مطلبی را حکایت می‌کند که در نسخه فعلی الضعفاء ابن غضائری موجود است (برای نمونه، قس: نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۱۹۲، ۲۱۷، ۳۲۹؛ ابن غضائری، همان، ۶۶، ۷۶، ۹۳).

حدود ۳۰ مورد اظهارنظر دیگری که نجاشی بدون یادکرد نام از «بعض اصحابنا» نقل می‌کند نیز به مسائلی مثل جرح و تعدیل، کتاب‌شناسی آثار یک مؤلف خاص یا نسخه‌های مختلف یک اثر مربوط است (برای نمونه، نک: نجاشی، همان، ۱۴۹، ۲۶، ۷۷)؛ امری که احتمال تعلق همه این اقوال به ابن غضائری را تقویت می‌کند (نک: انصاری، ۱۳۶۷، ش - ب، ۳۶۲).

نجاشی در موارد بسیاری مستند قضاوت‌های خود را باز نمی‌نماید. با این‌همه، بررسی تطبیقی قضاوت‌های کتاب الضعفاء درباره رجال مختلف با آثار رجالی نجاشی و شیخ طوسی نتایج تأمل برانگیزی به بار می‌آورد. از مجموع ۱۵۹ مورد قضاوت مندرج در کتاب الضعفاء در جرح و تعدیل افراد، ۳۹ مورد مربوط به راویانی است که در هیچ یک از آثار رجالی نجاشی و شیخ طوسی یاد نشده‌اند؛ شاید چون این راویان تألیف مشهوری میان امامیه نداشته‌اند. ۳۱ مورد دیگر افرادی هستند که نجاشی یا شیخ طوسی نام‌شان را در آثار خود آورده، اما سخنی متعارض و جمع‌ناشدنی با جرح مندرج در کتاب الضعفاء نگفته، و مثلاً درباره‌شان سکوت کرده‌اند؛ سکوتی که بر پایه مطالعات اخیر دلالت بر مدح یا ذم ندارد (نک: اکبری، ۱۳۹۷، بخش ۲-۴-۱-۸).

۸۱ مورد دیگر از این تضعیفات موافق با قضاوت نجاشی یا شیخ طوسی به همراه سکوت دیگری، یا موافق با قضاوت هردوی ایشان است. در غالب این موارد، شیخ طوسی سکوت و نجاشی اظهارنظر می‌کند؛ اظهارنظری که دست‌کم در ۱۷ مورد عین الفاظ و عبارات ابن غضائری

یا بر پایه قضاوت «بعض اصحابنا» ست (نک: سطور پیشین). سرآخر، تنها ۸ مورد از قضاوت‌های کتاب الضعفاء نیز آشکارا مورد اختلاف این سه عالم است (نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، بخش ۲-۲-۳-۱؛ نیز: پاشایی، ۱۳۹۷ش، ۳۱۹ به بعد).

می‌دانیم نجاشی در مقام ذکر صاحب یک قضاوت رجالی بیش از همه از ابن غضائری نام می‌برد (نک: شمشیری و جلالی، ۱۳۸۵ش، ۵۷). بر این پایه، و با تکیه بر قرائن فوق می‌توان محتمل دانست که در بسیاری از مواضعی که او نام مرجع صاحب‌نظر معاصر خود را نمی‌آورد، ابن غضائری را در نظر داشته است. این‌ها همه مؤید آن است که نجاشی به آثاری از ابن غضائری در جرح و تعدیل رجال و نسخه‌شناسی دسترس داشته، و به ظن قوی الضعفاء یکی از آن‌ها بوده است.

ب) پذیرش اصالت اثر و روش مؤلف در نقدهای رجالی

گفته‌اند قدیم‌ترین نسخه دست‌نویس شناخته از کتاب الضعفاء را ابن ادریس حلی (د ۵۹۸ق) پدید آورده است (درایتی، ۱۳۹۰ش، ۲۱ / ۹۸۷). بر پایه مدارک موجود، کتاب الضعفاء دست‌کم در طبقات پسین او در مکتب حله مورد توجه گسترده واقع شده است (برای نمونه، نک: محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ۱ / ۹۲، ۲۳۰؛ همو، ۱۴۱۳ق، ۲۹۶؛ آبی ازهری، ۱۴۱۷ق، ۱ / ۱۳۲، ۵۱۸).

توجه به اقوال ابن غضائری در آثار علامه حلی (د ۷۲۶ق) بسیار دیده می‌شود. وی در مواضع متعددی از آثار رجالی و فقهی خود به کلمات ابن غضائری استناد کرده، و تضعیف او را بر توثیق دیگران ترجیح داده (برای نمونه، نک: علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ۶۱؛ همو، ۱۴۱۳ق، ۱ / ۲۲۷، ۸۱ / ۲)، توثیق یا سکوت او را بر تضعیف نجاشی مقدم داشته (همو، ۱۴۱۱ق، ۳۵، ۹۶). در تعارض اقوال به خاطر تضعیف او توثیق دیگران را تأثیر نداده (همان، ۳۵، ۶۱، ۹۱، ۱۸۲). یا به اظهارنظرهای ابن غضائری حتی در حالت نیافتن شاهد دیگر اعتنای ویژه کرده است (برای نمونه، نک: همان، ۲۰۷، ۲۱۰؛ نیز نک: جلالی، ۱۳۸۴ش، ۲۷-۲۸).

ابن داوود حلی نیز به این اثر توجه بسیار دارد (نک: ابن داوود، ۱۴۰۵ق، ۱). او ۱۸۷ مورد از اقوال ابن غضائری را گزارش کرده است؛ گرچه در تعارض تضعیف ابن غضائری و توثیق دیگران، بیش‌تر به جانب توثیق متمایل است (نک: همان، ۵۹، ۲۹۴، ۲۹۸، ۴۱۶؛ نیز برای نقد این رویکرد، نک:

استرآبادی، ۱۴۲۶ق، ۴۹۶). براین پایه، بی دلیل نیست که برخی عالمان متأخر شیعی مانند بهبهانی (د ۱۲۰۵ق) از اعتماد کامل بزرگان مکتب حله به گزارش‌های ابن غضائری می‌گویند (بهبهانی، ۱۴۲۲ق، ۱ / ۳۳۰؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۴ / ۲۲۲).

عالمان جبل عامل هم به تضعیفات ابن غضائری استناد جسته‌اند (برای نمونه، نک: شهید اول، ۱۴۱۴ق، ۱ / ۷۱؛ ۳ / ۵۳۱؛ مقداد، ۱۴۰۴ق، ۱ / ۲۱۸، ۳۸۵). شهید ثانی در مواردی تضعیف ابن غضائری را به صراحت بر توثیق دیگران ترجیح داده است (شهید ثانی، ۱۳۸۰ش، ۲ / ۸۹۳؛ همو، ۱۴۱۳ق، ۷ / ۲۱۸، ۴۶۷، ۳۹ / ۱۳).

بسیاری از عالمان شیعی سده ۱۰-۱۱ق نیز به تضعیفات ابن غضائری تمسک نموده‌اند (برای نمونه، نک: عاملی، ۱۴۲۶ق، ۲۱۲؛ صاحب‌مدارک، ۱۴۱۱ق - الف، ۳ / ۲۵۹؛ همو، ۱۴۱۱ق - ب، ۲ / ۸۷؛ بهایی، ۱۴۲۴ق، ۴۷، ۴۸؛ همو، ۱۳۹۰ق، ۱۸۳؛ تونی، ۱۴۱۵ق، ۱۶۶). صاحبان آثار رجالی این دوره نیز آراء او را به گستردگی در آثار خود مورد توجه قرار داده‌اند (نمونه: قهپایی، ۱۳۶۴ش، ۱ / ۲، ۱۰۸؛ خوانساری، ۱۳۹۰ق، ۱ / ۵۲؛ تفرشی، ۱۳۷۷ش، ۱ / ۱۱۹، ۳۹، ۵۵، ۶۴؛ اردبیلی، محمد، ۱۴۰۳ق، ۲۶، ۲۹، ۴۷-۵۰؛ ماحوزی، ۱۴۱۲ق، ۶۶-۶۷، ۴۸). این گونه، معلوم نیست چرا ماحوزی (د ۱۱۲۱ق) بی‌اعتباری تضعیفات ابن غضائری را امری مشهور در میان عالمان متقدم بر خود می‌شناساند (نک: ماحوزی، ۱۴۱۲ق، ۶۵). در دوران بعد هم خواجه‌ی (د ۱۱۷۳ق) اعتماد پیشینیان بر آراء ابن غضائری را متذکر شده، و دیدگاه‌های مخالف را نقد کرده است (خواجه‌ی، ۱۴۱۳ق، ۲۷۹ به بعد). کلباسی (د ۱۳۱۵ق) هم در رساله مجزایی از اعتبار جرح‌های ابن غضائری دفاع می‌کند (نک: منابع).

هیچ‌یک از این عالمان گزارش نکرده‌اند که عالمی شیعی از متقدمان یا معاصرانشان کتاب الضعفاء را بی‌اعتبار بداند یا در انتساب آن به مؤلفش تردید ورزد. گویا نخستین بار در دوران معاصر است که برخی لازم دیده‌اند بر اصالت کتاب استدلال کنند (نک:

شوشتری، ۱۴۱۹ق، ۱/ ۴۴۳، ۵۵؛ نیز، برای مروری بر نمونه‌های دیگر، نک: جلالی، ۱۳۸۳ش، ۵۶). این معاصران تأکید می‌کنند نسخه‌ی بازمانده از کتاب *الضعفاء* بیان‌گر خبرگی و دقت بالای مؤلف آن است (کلباسی، ۱۴۱۹ق، ۴۵-۵۰). برخی هم با پذیرش اصالت کتاب *الضعفاء* موجود، اعتماد نجاشی به ابن غضائری را بهترین گواه بر اعتبار محتوای آن می‌دانند (بهبودی، ۱۴۲۷ق، ۱۱۲؛ نیز نک: قاسم‌پور، ۱۳۹۲ش، ۱۰۶)؛ هم‌چنان‌که برخی نیز او را در نقد رجال حتی از نجاشی هم آگاه‌تر می‌دانند (شوشتری، ۱۴۱۹ق، ۱/ ۵۵).

پ) پذیرش انتساب اثر به ابن غضائری و انتقاد به مؤلف

برخی با پذیرفتن نسبت کتاب به ابن غضائری یا فارغ از آن، چنین تضعیفاتی را پذیرفتنی نمی‌دانند. نمونه‌ی کسانی که نسبت اثر را به ابن غضائری پذیرفته‌اند و در عین حال نقدهای او را بر نمی‌تابند، محمد استرابادی (د ۱۰۲۸ق) است. او از ابن غضائری با تعبیر «جراح» — یعنی بسیار خرده‌گیر — یاد می‌کند و قبول جرح او را تنها همچون یک مَرَجَّح یا در نبود معارض ممکن می‌داند (استرابادی، ۱۴۲۲ق، ۳۲۹-۳۳۲).

شاگردش امین استرابادی (د ۱۰۶۲ق) جرح ابن غضائری را برای نپذیرفتن یک روایت کافی نمی‌داند؛ اما معتقد است اگر ابن غضائری کسی را جرح کرد، باید به به وثاقت آن راوی تردید کنیم (استرابادی، ۱۴۲۶ق، ۱/ ۴۹۵). میرداماد (د ۱۰۴۱ق) نیز معتقد است که ابن غضائری در جرح عجولانه عمل می‌کند (میرداماد، ۱۳۱۱ق، ۱۱۳، ۵۹؛ نیز نک: امین، ۱۴۰۳ق، ۲/ ۵۶۵). حدود ۱۵۰ سال بعد بهبهانی از ابن غضائری می‌رود و افزون بر تخطئه روش ابن غضائری، می‌گوید او بزرگان اصحاب را جرح کرده، و کم‌تر کسی را از جرح خویش در امان باقی گذاشته است (بهبهانی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۳۳۲، ۱۲۹؛ همو، ۱۳۶۲ش، ۳۸، ۳۹؛ نیز نک: مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۴/ ۲۲۱).

برخی نیز فراتر رفته، طعن‌ها را متوجه شخص ابن غضائری نموده‌اند. احمد بن محمد اردبیلی (د ۹۹۳ق) گویا نخستین کسی است که تردیدهایی نسبت به وثاقت شخص ابن غضائری ابراز می‌دارد (اردبیلی، احمد، ۱۴۰۳ق، ۸/ ۴۵۵). با این حال، خود وی حتی با وجود توثیق دیگران تضعیفات ابن غضائری را مورد توجه قرار داده است (برای نمونه، نک: همان، ۲/ ۴۱۵، ۱۰/ ۴۵۴). حدود یک

نسل بعد، سبط شهید ثانی (د ۱۰۳۰ق) از این فراتر می‌رود. او با تأکید بر این که انتساب کتاب الضعفاء به حسین بن عبیدالله غضائری نادرست، و کتاب تألیف فرزندش احمد است، چنین استدلال می‌کند که مؤلف شخصیتی مجهول است (سبط شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ۱/ ۸۷-۸۸). او حتی نگرش مثبت جد خود شهید ثانی را نیز نسبت به وی نقد می‌کند (همان، ۱/ ۸۶، ۹۶، ۱۵۳).

از عبارات او آشکار است که در چنین قضاوتی تنها به نوشته‌های علامه حلی متکی است. او به این مسئله توجه نمی‌کند که علامه حلی خود نوشته‌هایی از ابن غضائری را در اختیار دارد که دیگران از آنها محروم بوده‌اند. این را می‌توان از مطالبی دریافت که علامه حلی از ابن غضائری نقل می‌کند و در آثار دیگران بازتاب نیافته است (برای نمونه، نک: علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۲۵، ۲۴۱؛ نیز برای برخی دیگر از عبارات ابن غضائری که تنها در اختیار دیگر عالمان مکتب حله بوده است، نک: ابن داوود، ۱۴۰۵ق، ۵۱۶ توثیق مقید مفضل بن عمر؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۱۱/ ۴۵۸ نسبت تهافت و خطابی بودن به مفضل بن صالح).

بعد از وی محمدتقی مجلسی (د ۱۰۷۰ق) هم ابن غضائری را به‌خاطر نداشتن ترجمه در کتب رجال مجهول، و فاقد صلاحیت لازم برای جرح روایت می‌شناساند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۹۵؛ نیز نک: امین، ۱۴۰۳ق، ۲/ ۵۶۵). او گاه زبان ملامت بر نجاشی نیز گشوده که چرا به سخن «جاهل مجهول» یعنی ابن غضائری گوش فراداده است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴/ ۳۳۸). مجلسی همین اشکال را بر عموم متأخران مطرح می‌کند و اعتماد بر ابن غضائری را مستلزم حکم به ضعف اکثر مرویات شیعه می‌انگارد؛ چرا که شخصیت ابن غضائری و عدالت خود او برایش مجهول است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۹۵). فرزندش محمدباقر مجلسی (د ۱۱۱۱ق) نیز در طعنی مشابهی، خود ابن غضائری و کتابش را نامعتمد و پذیرش آن را مترادف با رد غالب اخبار و فتاوی مشهور شیعیان می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱/ ۴۱).

با این‌همه، به نظر می‌رسد سبط شهید ثانی و محمدتقی و محمدباقر مجلسی همگی گفتارهای ابن غضائری را هم‌چون قرائنی در تحلیل روایات مد نظر داشته‌اند (برای نمونه، نک: سبط شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ۳/ ۱۳۵، ۳۸۵، جاهای مختلف؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۶۴، ۲/ ۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق، ۵، ۶۵، ۱۱۸).

ت) انکار نسبت اثر به ابن غضائری

در نسخه چاپی *الذریعة* (۱۹۳۸م، ۱۰/ ۸۹) چنین دیده می‌شود که آقابزرگ طهرانی (د ۱۳۸۹ق) با اذعان به جایگاه ابن غضائری در نسبت کتاب *الضعفاء* به او تشکیک می‌کند. حتی از این هم فراتر می‌رود و نویسنده کتاب *الضعفاء* را دشمن بزرگان شیعه می‌داند؛ دشمنی که به هر حيله‌ای در پی طعن بر ایشان است (همان، ۱۰/ ۸۹).

پذیرش نسبت این دیدگاه به آقابزرگ مشکل است. البته می‌دانیم که وی نیز به برخی جرح‌های ابن غضائری انتقاداتی وارد می‌کند (برای نمونه، نک: آقابزرگ، ۱۳۲۹ق، ۳/ ۲۵۵)؛ باین حال، این مطلب را که مؤلف کتاب *الضعفاء* نه ابن غضائری که یکی از دشمنان شیعه بوده است نمی‌توان در نسخه خطی *الذریعة* به خط مؤلف بازیافت. محتمل به نظر می‌رسد که انتساب این دیدگاه به آقابزرگ، نتیجه خلطی در نسخه چاپی اثر میان اقوال مؤلف و توضیحات مصحح باشد.

توضیح این که در نسخه چاپی *الذریعة* (۱۰/ ۸۹) چنین دیدگاهی پس از یادکرد سخن «صاحب *الذریعة*» یاد می‌شود؛ گویی فردی غیر از آقابزرگ بنا دارد میان گفتار خویش با محتوای اصل اثر تمایزی نهد. در ادامه نیز تأکید می‌شود این مطلب همان است که قبلاً در جای دیگر (*الذریعه*، ۴/ ۲۸۹-۲۹۰) شرح داده شده بود. با مراجعه به صفحه مذکور درمی‌یابیم که مطلب نه از آقابزرگ است و نه در نسخه دست‌نویس *الذریعة* یافت می‌شود؛ بلکه از حواشی مصحح است. این گونه، به درستی نمی‌توان فهمید که این عبارات مشوش نظر آقابزرگ است، یا سخنان مصحح یا دیگری (برای اعتراض به تحریفات گسترده *الذریعة*، نک: اشکوری، ۱۴۳۰ق، ۷۹؛ نیز نک: خوبی، ۱۴۱۳ق، ۱/ ۹۶ که مجعول دانستن نسخه *الضعفاء* را بدون یادکرد آقابزرگ همچون نظر «بعض» معاصران یاد کرده است).

دیگر عالمان معاصر اغلب نه بر متن که بر طریق ناشناخته و مفقودی کتاب در سده‌های نخست پس از تألیف اشکال کرده‌اند (برای نمونه، نک: خوبی، ۱۴۱۳ق، ۱/ ۴۳، ۹۵، ۲۰۸، جاهای مختلف؛ سبحانی، ۱۴۱۰ق، ۸۹-۹۲). البته، هر گاه جلد اول *معجم رجال الحدیث* را استثناء کنیم، خوبی در مجلدات بعدی کم‌تر به اعتبار آراء منسوب به ابن غضائری اشکال می‌کند و به‌عکس، فراوان به یادکرد آن‌ها می‌پردازد (برای نمونه، نک: خوبی، ۱۴۱۳ق، ۴/ ۱۰۷). او تصریح می‌کند که

بی‌اعتمادی‌اش به تضعیفات ابن غضائری به خاطر تردید در نسبت کتاب الضعفاء به او ست و اگر انتساب اثر ثابت می‌بود آن را قابل استناد می‌دانست» (همان، ۸ / ۱۲۹). حتی در مواضعی مطالب کتاب الضعفاء را به صراحت به ابن غضائری نسبت داده یا حتی بدان استناد کرده است (نک: جلالی، ۱۳۸۴، ش، ۳۶-۴۲).

۲. موانع عمومی پذیرش انتساب اثر

تا کنون رویکردهای مختلف به کتاب الضعفاء موجود را دسته‌بندی کردیم. اکنون در این بخش می‌خواهیم با آسیب‌شناسی این رویکردها اهم علل و عواملی را که سبب شده است انتساب اثر به ابن غضائری امری نامحتمل به نظر آید مرور و بررسی کنیم.

الف) بی‌رغبتی اخباریان به ملاحظات انتقادی

بر پایه آنچه گفته شد از قرائن بازمانده می‌توان چنین دریافت که تا پیش از سده ۱۱ ق عالمان شیعه به کتاب ابن غضائری اقبال نشان داده‌اند و از میان‌شان تنها احمد بن محمد اردبیلی است که با وجود توجهش به کلام ابن غضائری در مورد او تردیدهایی هم دارد. حدود یک نسل بعد و در سرآغاز شکل‌گیری تفکر اخباری، محمد استرآبادی جرح‌های ابن غضائری را نمی‌پذیرد و شاگرد او سبط شهید ثانی نیز برای نخستین بار می‌گوید که مجهولیت ابن غضائری مانع اعتماد به کتاب او ست.

دسترسی عالمان اخباری به منابع سلف چه‌بسا بسیار اندک بوده است. برای نمونه، احمد بن محمد اردبیلی در مجمع الفائدة والبرهان و اصول الدین کتاب‌های دستیابش را بسیار محدودتر از آنچه بعدها محمدباقر مجلسی در اختیار دارد تصویر می‌کند (نک: اردبیلی، احمد، ۱۴۰۳، ق، ۵ / ۹-۱۰؛ همو، ۱۳۸۷، ش، ۱۰۱، ۱۰۲). سبط شهید ثانی نیز گزارش‌هایی از سوختن، به یغما رفتن گنجینه آثار پدرجد و جدّ خود و تلف شدن آن در اثر دفن و حمل و نقل بازمی‌نماید (سبط شهید ثانی، ۱۳۹۸، ق، ۲ / ۲۰۳).

در عصر میرداماد و محمدتقی مجلسی، یعنی دوران غلبه کامل تفکر اخباری بر حوزه‌های معارف شیعی و دوری نسبی از نقدهای رجالی (نک: بهشتی، ۱۳۹۰، ش، ۸۹، ۱۱۹-۱۲۲)، آراء ابن غضائری نقد می‌شود. یک نسل بعد، محمدباقر مجلسی بیان می‌کند که پذیرش جرح‌های ابن

غضائری موجب رد اکثر روایات است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱/ ۴۱؛ نیز نک: خواجه‌ی، ۱۴۱۳ق، ۲۸۹)؛ این در حالی است که ابن غضائری تنها در پنج مورد رجالی را که دیگر علما توثیق کرده‌اند تضعیف کرده است (نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، ۲-۲-۴).

برخی متأخران گفته‌اند بی‌رغبتی عالمانی هم‌چون محمدتقی و محمدباقر مجلسی به اثر از آن رو ست که تمایل دارند غالب روایات شیعی - خاصه درباره فضايل اهل بیت (ع) - را صحیح بدانند (بهبهانی، ۱۴۲۲ق، ۱/ ۱۲۹؛ همو، ۱۳۶۲ش، ۳۸، ۳۹؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۲۶/ ۵۶). سبب امر هر چه باشد، می‌توان انتظار داشت رواج چنین نگرش‌هایی زمینه را برای انکار اصالت کتاب فراهم کند. باین‌حال، هنوز اصل مسئله انتساب اثر به یک عالم شیعی متقدم (خواه ابن غضائری یا پدرش) پذیرفته است. بعد از این دوره است که به تدریج نظریه مجعول بودن کتاب مطرح می‌شود.

ب) تحلیل نادرست مفهوم وجاده

گفته‌اند برای نخستین بار کتاب *الضعفاء* ابن غضائری را احمد بن طاووس و در سده ۷ق بود که بازشناخت و به همگان معرفی کرد (نک: سبحانی، ۱۴۱۰ق، ۸۲؛ فقهی‌زاده، ۱۳۹۶ش، ۲۴۷، ۲۴۴). نیز، گفته‌اند او خود این کتاب را به وجاده حاصل کرده بود (سبحانی، همان‌جا). وجاده‌ای بودن کتاب را برپایه گفتاری از ابن طاووس (د ۶۷۳ق) در مقدمه *حل الاشکال* دریافته‌اند؛ آن‌جا که در سخن از دسترسی خود به منابع پنج‌گانه رجال شیعی می‌گوید به همه کتب، طریق متصل دارد، مگر به کتاب ابن غضائری (ابن طاووس، ۱۴۰۸ق، ۲۵).

این تفسیر از گفتار ابن طاووس، لزوماً تنها برداشت صحیح نباید دانسته شود. نداشتن طریقی متصل تا یک اثر دلالت روشنی بر وجاده‌ای بودنش ندارد. ممکن است ابن طاووس کتاب را از مشایخش به روایت منقطع گرفته باشد؛ به این معنا که مثلاً برخی مشایخ ابن طاووس یا طبقات بالاتر از او کتاب را به وجاده حاصل کرده باشند یا طرق روایتش متعدد و شناخته نباشد؛ نه اینکه لزوماً هیچ سندی نداشته باشد.

این تفسیر از گفتار ابن طاووس، لزوماً تنها برداشت صحیح نباید دانسته شود. نداشتن طریقی متصل تا یک اثر دلالت روشنی بر وجاده‌ای بودنش ندارد. ممکن است ابن طاووس کتاب را از

مشایخش به روایت منقطع گرفته باشد؛ به این معنا که مثلاً برخی مشایخ ابن طاووس یا طبقات بالاتر از او کتاب را به وجاده حاصل کرده باشند یا طرق روایتش متعدد و شناخته نباشد؛ نه اینکه لزوماً هیچ سندی نداشته باشد. ملا عبد الله شوشتری (د ۱۰۲۱ق) در دست‌نویس خود از کتاب الضعفاء تصریح می‌کند ابن طاووس از روی نسخه‌ای به خط ابن ادریس استنساخ کرده است (نک: درایتی، ۱۳۹۰ش، ۲۱/۹۸۷).

می‌دانیم نسخه‌ای از رجال نجاشی نیز به خط شوشتری در دسترس است؛ نسخه‌ای که آن هم از روی نسخه‌ای به خط ابن طاووس تحریر شده، که آن هم از روی نسخه‌ای به خط ابن ادریس تحریر یافته بود (نک: درایتی، ۱۳۹۰ش، ۱۶/۳۱۴؛ نیز، برای اطلاعات بیشتر درباره نسخه ابن ادریس، نک: همان، ۳۱۵؛ آقابزرگ، ۱۹۸۳م، ۱۰/۱۰۲). پس به احتمال قوی طریق ابن طاووس به ابن ادریس برای نسخه کتاب نجاشی و ابن غضائری یکی بوده، و انقطاع طریق ابن طاووس تا ابن غضائری مربوط به طبقات پیش از ابن ادریس است.

در کتب اجازات هم طریق علامه حلی و ابن طاووس تا ابن ادریس مشخص است. علامه حلی از پدرش، ابن طاووس و جعفر بن سعید حلی، و آن‌ها همه از فخار بن معد آثار ابن ادریس را روایت می‌کنند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۴/۷۹، ۶۹، ۱۰۵/۱۵۸، ۱۰۶/۱۱۷). در منابع موجود نمی‌توان طریق ابن ادریس تا نجاشی و ابن غضائری را بازشناخت.

حتی اگر ابن طاووس کتاب الضعفاء را به وجاده یافته باشد، باز دلیل بر بی‌اعتباری کتاب نمی‌شود. نسخ بسیاری از کتب روایی وجاده‌ای و بدون طریق متصل است؛ کتبی هم‌چون تفسیر عیاشی، تفسیر قمی، کامل الزیارات ابن قولویه، محاسن برقی، و بصائر الدرجات صفار (نک: درایتی، ۱۳۹۰ش، ۸/۸۰۲، ۸۱۲، ۲۵/۸۳۸). این که وجاده را موجب سلب اعتبار از یک اثر بدانیم نتیجه رویکرد اصولی بخصوصی است که در جای خود نقد شده است (برای نمونه از چنین رویکردی و نقد آن، قس: خوبی، ۱۴۱۳ق، ۱/۹۶؛ سبحانی، ۱۴۱۰ق، ۹۲).

پ) انگاره مفقود شدن کتاب

رواج این نگرش که از میانه سده ۵ تا سده ۷ق کتاب الضعفاء مفقود، و در زمان ابن طاووس یافت شده، در حکم به مجموعیت آن مؤثر بوده است (نک: فقهی‌زاده، ۱۳۹۶ش، ۲۴۴). وانگهی، دلیل

کافی برای نبود کتاب در طول آن دو سده نداریم. چنان که یاد شد، گفته‌اند ابن ادریس حلی (د ۵۹۸ق) نخستین فرد مشهوری بوده که نسخه کتاب را رونویسی کرده است. شاید در مقام نقد این مدعا گفته شود که در آثار خود ابن ادریس نمونه‌ای از استناد به این اثر یافت نمی‌شود؛ اما در پاسخ باید به این توجه داشت که او به دیگر منابع رجالی نیز بسیار محدود استناد کرده است (برای نمونه از استناد وی به فهرست شیخ طوسی، نک: ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۱/ ۴۳۰، ۲/ ۱۳۲). استناد اندک وی به این آثار نتیجه رویکرد او به خبر واحد است؛ نه در اختیار نداشتن آثار (نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، بخش ۴-۲).

در پاسخ به این هم که چرا پیش از ابن طاووس و محقق حلی (د ۶۷۶ق) کسی به کتاب ابن غضائری استناد نکرده است باید بگوییم بعد از شیخ طوسی تا دوره ابن عالمان یک دوره رکود نسبی در حوزه فقه شیعی می‌بینیم (نک: حسینی جلالی، ۱۳۸۰ش، ۱۹). بسیاری از آثار امامیه در همین دوره مفقود شده است. برای نمونه، کتاب *الحاوی فی رجال الشیعة* تألیف ابن ابی‌طی (د ۶۳۰ق) یا *رجال علی بن حکم* نیز که اطلاعاتی مفصل درباره رجال شیعه دربر داشته‌اند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند، و داده‌هایشان از طریق منابع عامه بازمانده است (نک: جعفریان، ۱۳۷۹ش، ۱۷-۳۷؛ مطهری، ۱۳۸۹ش، ۱۲۲-۱۳۳). حتی در این دوره شواهد استناد به جرح و تعدیل‌های نجاشی بسیار اندک است (نک: خواجه‌ی، ۱۴۱۳ق، ۲۹۶).

در بازه زمانی میان ابن غضائری و عالمان مکتب حله، شواهد حاکی از استناد عالمان شیعه به منابع کهن اندک است. کم‌تر می‌توان اثری از آثار متقدم را نام برد که در *رجال کشی* یا *فهرست شیخ طوسی* ذکر شده باشد و عالمان این دوره بدان استناد نموده باشند (برای معدود نمونه‌ها، نک: عمادالدین طبری، ۱۳۸۳ق، ۶۸، ۱۰۹؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق، ۳/ ۱۹۵، ۲۲۰، ۴/ ۱۳۸، ۱۴۷). با این حال، دقت بیش‌تر در همین نمونه‌ها هم آشکار می‌کند که عالمان این عصر به خود آن منابع دسترسی نداشته، و داده‌های خود را از منابع دست دوم گرفته‌اند (برای نمونه، قس: عمادالدین طبری، ۶۸؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۳۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴۵). همین اندک موارد استناد نیز در اموری غیر از جرح و تعدیل راویان است.

ت) کامل پنداشتن نسخه‌های بازمانده

خوبی ذکر نشدن نام کتاب *الضعفاء* در *فهرست شیخ طوسی* و *رجال نجاشی* را مؤیدی بر

اصالت نداشتن آن دانسته است (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱/ ۹۵؛ نیز نک: فقهی‌زاده، ۱۳۹۶ش، ۲۶۰). واقعیت آن است که نام دیگر منابع رجال نیز در این دو فهرست مشاهده نمی‌شود. از این گذشته، نجاشی و شیخ طوسی هرچند ترجمه‌ای مستقل برای ابن غضائری نپرداخته‌اند، هر دو تصریح نموده‌اند وی آثاری داشته است.

سبب این را که برای او ترجمه‌ای نیاورده‌اند، باید جای دیگر جست. این دو عالم شیعی اغلب نسبت به ترجمه عالمان طبقه خود اهتمام کم‌تری نشان داده‌اند؛ امری که شاید نتیجه گرایش ایشان به علو اسناد و تمرکز روی منابع دست‌یاب قدیم باشد (برای تفصیل این بحث، نک: بحرالعلوم، ۱۳۶۳ق، ۲/ ۸۹؛ شبیری، ۱۳۸۸ش، ۲۸-۶۷). برای نمونه، شیخ طوسی ترجمه‌ای برای هم‌نسلان خود از قبیل نجاشی و کراجکی نیاورده، و ترجمه برخی از مشایخ خود مانند ابن آشناس، ابن فحّام، و ابن شاذان قمی را هم ذکر نکرده است. می‌دانیم اینان همه تألیفاتی داشته‌اند (نک: طباطبایی، ۱۴۲۰ق، ۴۴، ۴۵). نجاشی هم از میان ۳۲ شیخ خود ۹ تن را ترجمه، و تنها ۵ تن از ایشان را صریح توثیق نموده است (نک: کلباسی، ۱۴۲۲ق، ۲/ ۲۵۳؛ نیز نک: فقهی‌زاده، ۱۳۸۹ش، ۱۴۸).

از این گذشته، اینان تراجم برخی مصنفان شیعی را در آثارشان درج کرده‌اند؛ اما تحریرهای حاوی آن تراجم برجا نمانده است. برای نمونه، ابن طاووس (ابن طاووس، ۱۳۶۸ش، ۱۴۶) ترجمه جابر بن حیان را در *رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی* دیده است؛ اما این ترجمه‌ها در نسخه‌های کنونی مشاهده نمی‌شود. به همین ترتیب، ابن حجر عسقلانی (۱۴۳۱ق، ۲/ ۵۱۷) تفصیلاتی را در ترجمه حسین بن حمدان خصیبی به نقل از *رجال نجاشی* می‌آورد؛ اما این تفصیلات را نمی‌توان در نسخه موجود اثر بازجست (نیز نک: امین، ۱۴۰۳ق، ۵/ ۴۹۱). حتی بنا بر گفته خود شیخ طوسی در کتاب *الرجال*، ترجمه حسین بن عبیدالله غضائری در *فهرست* او بوده (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ۴۲۵)، ولی از نسخه افتاده است. البته، این ترجمه را نیز می‌توان در آثار ابن حجر عسقلانی بازجست (ابن حجر، ۱۴۳۱ق، ۲/ ۵۳۴). بعید نیست که یاد نشدن برخی مصنفان شیعی اعصار پیش‌تر در آثار شیخ طوسی و نجاشی نتیجه همین مشکل باشد. یعنی از این‌رو ست که برای شخصیتی مانند حسن بن محبوب (برای وی، نک: بهبودی، ۱۳۷۶ش، ۴۱۰-۴۱۹؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ۶/ ۹۶ به بعد) در *رجال نجاشی* شرح حال ذکر نمی‌شود، یا شرح حالی در نسخه‌های موجود از کتب نجاشی و شیخ طوسی برای عالمانی مانند ابن حَسَکة قمی و حسین بن ابراهیم قزوینی — که خود از مشایخ این دو بوده‌اند —

نمی‌توان یافت (برای این دو، به ترتیب نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۳۱ق، ۲/ ۱۱۴، ۲۷۲؛ قس: طباطبایی، ۱۴۲۰ق، ۴۰، ۴۸).

نکته دیگر این که در آثار رجالی نجاشی و شیخ طوسی هم‌چون بسیاری از آثار متقدم دیگر، اهمیتی به ارجاع به منابع دیده نمی‌شود؛ خاصه وقتی دارند از آثار فردی معاصر خود نقل می‌کنند. مثلاً، از فهرست ابن عبدون (د ۴۲۳ق) یاد نمی‌کنند؛ حال آن که از منابع ایشان بوده است. ابن ماکولا (د ۴۷۵ق) از محدثان عامه مسلمانان گزارش می‌دهد که نسخه این اثر را مشاهده کرده است (ابن ماکولا، ۱۴۱۱ق، ۲/ ۲۹۴؛ نیز نک: انصاری، ۱۳۶۷ش - الف، ۲۰۴). باین حال، شیخ طوسی تنها یک بار از فهرست ابن عبدون یاد می‌کند، آن هم در جایی غیر از شرح حال خود وی (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۳). نجاشی نیز، فهرست ابن الولید، ابن بابویه و حمید بن زیاد را از جمله منابع خود نام می‌برد (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳، ۱۶۷، ۲۳۲)؛ اما در ترجمه هیچ‌یک به این آثار اشاره‌ای نکرده است. خوبی از مقایسه نقل‌های نجاشی از ابن غضائری با مطالب بازمانده از کتاب الضعفاء و مشاهده اختلافات این دو نتیجه می‌گیرد که انتساب نسخه کنونی به ابن غضائری محل تردید است (خوبی، ۱۴۱۳ق، ۱/ ۹۶). در مقام نقد سخن وی باید برپایه آنچه گفته شد اظهار داریم که این اختلاف‌ها هرگز در حد تناقض نیست و اختصار در نقل آراء نیز در منابع سلف امری عادی بوده است.

۳. آسیب‌شناسی تحلیل‌ها درباره نسخه اثر

آنچه در بخش پیشین ذکر شد، نگرش‌ها و ذهنیت‌هایی بودند که شماری از عالمان متأخر شیعی نه فقط در مقام نقد کتاب الضعفاء که در مقام تحلیل غالب آثار کهن‌تر داشتند. افزون بر آن‌ها، نگرش‌هایی نیز در خلال چند سده درباره تحریر بازمانده از کتاب الضعفاء شکل گرفته است که به نظر می‌رسد نقش مهمی در نگرش‌های منفی به اصالت اثر داشته باشد. اکنون می‌خواهیم این نگرش‌ها را مرور و نقد کنیم.

الف) نابودی تنها نسخه کتاب

شیخ طوسی در مقدمه الفهرست می‌گوید که بنا بر حکایات، بعضی از وارثان ابن غضائری قصد نابودی نسخه آثار وی کرده‌اند: «هذین الکتبیین لم ینسخهما أحد من أصحابنا واخترم هو -

رَحْمَهُ اللَّهُ — وَعَمَدُ بَعْضُ وَرَثَتِهِ إِلَى إِهْلَاكِ هَذَيْنِ الْكُتَّابَيْنِ وَغَيْرِهِمَا مِنْ الْكُتُبِ عَلَيَّ مَا يَحْكِي بَعْضُهُمْ عَنْهُمْ» (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲). بسیاری از رجالیان از دیرباز به این عبارتها توجه نشان داده‌اند (برای نمونه، نک: قهپایی، ۱۳۶۴ش، ۷/۱)؛ اما تنها برخی عالمان معاصر نابودی همه آثار ابن غضائری را از آن استنباط کرده‌اند (نک: خویی، ۱۴۱۳ق، ۹۵-۹۶؛ فقهی‌زاده، ۱۳۹۶ش، ۲۴۴). در این عبارات سخنی از تحقق عملی این قصد و نابود شدن آثار نمی‌رود.

غالباً گمان شده است که دسترس نداشتن شیخ طوسی به آثار ابن غضائری از آن‌رو است که نسخه آن‌ها از میان رفته بوده، و به او نرسیده، حال آن‌که سبب امر دیگری است. چنان که در عبارت فوق دیدیم، شیخ طوسی خود سبب را چنین توضیح می‌دهد که اصحابش این نسخه‌ها را رونویسی نکرده بودند. پس ممکن است آثار ابن غضائری در دوره شیخ طوسی از میان رفته باشند و در عین حال که نسخه‌هایی از آن‌ها بازمانده، خبرش به شیخ طوسی نرسیده است؛ مثلاً از آن‌رو که وارثان ابن غضائری بنا بر مصالحی کتب او را پنهان کرده‌اند (نک: جلالی، ۱۳۸۴ش، ۲۹-۳۰).

نیز می‌توان محتمل دانست مشغله‌های گسترده شیخ طوسی او را از فحص بیشتر بازداشته باشد؛ برخلاف نجاشی که در این موضوعات وقت بیشتری صرف کرده است (نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، ۲-۴-۱). نجاشی دست‌کم در ۱۸ مورد از ابن غضائری مطالبی در زمینه‌های نسخه‌شناسی و فهرست نقل می‌کند (برای نمونه، نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۲۱، ۱۴۱). افزون بر این، او در ۱۳ مورد نیز مطالبی کتاب‌شناختی را به نقل از «بعض اصحاب» یاد می‌کند (برای نمونه، نک: همان، ۱۵، ۲۶، ۷۷) که چه بسا منظورش ابن غضائری باشد. این‌گونه، گزارش استنساخ نشدن کتب ابن غضائری دلالت روشنی بر نابودی کتاب الضعفاء ندارد. احمد بن طاووس در یادکرد کتاب ابن غضائری آن را خود کتاب الضعفاء می‌داند (ابن طاووس، ۱۴۰۸ق، ۲۵). این مطلب از نوع مطالب نسخه موجود نیز فهمیدنی است.

افزون بر این، منعی ندارد بپذیریم که شیخ طوسی از دیگر نسخه‌های آثار ابن غضائری بی‌اطلاع بوده، و این نسخه به دست دیگرانی از قبیل نجاشی افتاده است. شاهد امر همین است که در مواضع متعددی از رجال علامه حلی بر تعدد کتب ابن غضائری تصریح می‌شود (برای نمونه، نک: علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۲۵، ۲۴۱، ۲۵۶). ابن داوود و علامه حلی فراوان توثیقات ابن

غضائری را گزارش کرده‌اند (نک: شوشتری، ۱۴۱۹ق، ۱/ ۴۴۲؛ نیز نک: جلالی، ۱۳۸۰ش، ۱۰۹-۱۲۶)؛ توثیقاتی که تناسبی با موضوع کتاب *الضعفاء* ابن غضائری ندارد و علی‌القاعده بازمانده‌های دیگر آثار او ست. نیز، علامه حلی گاه روایاتی از ابن غضائری نقل می‌کند که به نظر می‌رسد برگرفته از اثری با عنوان *التاریخ* باشد (قس: علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ۶۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۷۷؛ نیز برای دیگر روایات نجاشی از ابن غضائری درباره تاریخ رویدادها، انساب و دیگر اموری که ذیل همین عنوان می‌گنجند، نک: همان، ۷۷، ۵۲).

ب) تفرد یکی از منتقدان کتاب در نقل آن

گفته می‌شود احمد بن طاووس — که نخستین راوی متأخر کتاب ابن غضائری شمرده شده — نسبت آن را تأیید نکرده است و پسینانش نیز در روایت از کتاب تنها به او متکی بوده‌اند (سبحانی، ۱۴۱۰ق، ۶۹). در مقام نقد باید گفت که بی‌اعتباری کتاب نزد ابن طاووس دلیلی ندارد. او به‌صراحت کتاب را به ابن غضائری نسبت می‌دهد، آن را از کتب رجال پنج‌گانه شیعه می‌شناساند (ابن طاووس، ۱۴۰۸ق، ۲۵)، و در مواردی نیز بدان احتجاج می‌کند (برای نمونه، نک: همان، ۸۲، ۱۹۷، ۲۷۶). این حاکی از اهمیت این کتاب نزد ابن طاووس است (برای تصریح بهبهانی به این امر، نک: مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۴/ ۲۲۲).

افزون بر این، ابن طاووس در *حل الاشکال* (ص ۲۵) تصریح می‌کند که فقط کتاب ابن غضائری درباره ضعفاء را در ضمن اثر خود می‌آورد؛ اما چنان که دیدیم، علامه حلی و ابن داوود از کتاب دیگری از ابن غضائری نیز روایت می‌کنند، که در *حل الاشکال* اثری از آن دیده نمی‌شود. این نشان می‌دهد که پسینان ابن طاووس همچون علامه حلی و ابن داوود تنها به روایت او متکی نبوده‌اند.

نکته مهم دیگری نیز در همین زمینه شایان توجه است. نسخه‌هایی که حسینی جلالی ویراست خود از کتاب *الضعفاء* را برپایه آن‌ها شکل داده، سرجمع حاوی توضیحاتی درباره ۱۵۹ تن از راویان حدیث شیعی و صاحبان کتب اند. حسینی جلالی خود نیز شرح حال ۶۶ راوی دیگر را در آثار مختلف یافته، و تحت عنوان «مستدرکات» به اصل اثر ضمیمه کرده است (نک: حسینی جلالی، ۱۳۸۰ش، ۱۰۹-۱۲۶). ۲۰ مورد از این مستدرکات برپایه گزارش‌های نجاشی، و ۴۶ مورد هم از کتاب ابن داوود و علامه حلی حاصل شده است. از این ۴۶ مورد، ۳۵ مورد به بحث درباره تضعیف راویان

اختصاص دارد و غالباً به نفی تضعیف راوی منجر می‌شود، ابن داوود و علامه حلی در نقلش مشترک اند، و در ابواب مختلف کتاب رجال خود آن‌ها را پراکنده‌اند.

به احتمال قوی باید این ۳۵ مورد از کتاب الضعفاء ابن غضائری نقل شده باشند؛ نه اثر دیگری از او. نیز، بسیار بعید است که همه آن‌ها در نسخه‌ای از کتاب الضعفاء که ابن طاووس در اختیار داشته موجود باشند و او با وانهادنشان دست‌کم ۲۰ درصد از موارد تضعیف راویان را در حل الاشکال نیاورد؛ آن هم وقتی که حجم قابل توجهی از این مباحث به نفی تضعیف از راوی انجامیده است و با رویکرد ابن طاووس هماهنگی دارد (ابن طاووس، ۱۴۰۸ق، ۲۷).

توضیح آن‌که ابن طاووس در ذیل نام هر یک از رجال که به ترتیب الفباء یادشان کرده، گفتارها در جرح و تعدیل یا ترجمه او را طبق منابع مختلف درج نموده بود (نک: ابن طاووس، ۱۴۰۸ق، ۲۵). پس استخراج اخبار یک منبع از آن باید کاری آسان بوده باشد. براین پایه، می‌توان توقع داشت صاحب‌معالم وقتی ترتیب جدید رجال کشی را از آن استخراج می‌کرد به کاوش بسیار در جای‌جای اثر برای شناخت گفتارها درباره یک راوی محتاج نبود و می‌توانست بدون زحمت زیادی در این زمینه از عهده کار برآید. او خود نیز تصریح می‌کند گرچه نسخه‌ای که به خط مؤلف از حل الاشکال در اختیار داشته کهنه بوده، چیز قابل توجهی از دست نداده است (صاحب‌معالم، ۱۴۰۸ق، ۲۲، ۳۴۶). براین پایه، علی‌القاعده ملا عبدالله شوشتری نیز که در سال ۹۸۸ق روایات کتاب الضعفاء را از کتاب التحریر الطاووسی صاحب‌معالم استخراج کرده (نک: قهپایی، ۱۳۶۴ش، ۱۰؛ نیز نک: درایتی، ۱۳۹۰ش، ۲۱/۹۸۷)، چیزی از عبارات حل الاشکال ابن طاووس را از دست نداده، و البته خود نیز تذکری در این باره نداده است.

بر این اساس باید چنین حکم کرد که احتمالاً نسخه کتاب الضعفاء ابن طاووس ناقص‌تر از نسخه علامه حلی و ابن داوود بوده، و همین امر سبب تفاوت منقولات اینان از کتاب الضعفاء شده است. به هر حال، حتی اگر گفته شود علامه حلی و ابن داوود نسخه ابن طاووس از روایات ابن غضائری را هم در اختیار داشته‌اند، باز بدین معنا نیست که آن دو در قبول کتاب الضعفاء به او متکی بوده‌اند و دست‌رسی به نسخه‌ای دیگر — مثل نسخه ابن ادریس که گفتیم کهن‌ترین دست‌نویس شناخته‌اثر است — نداشته‌اند.

استنادات متعدد علامه حلی به اقوال ابن غضائری درباره مدوحین (برای نمونه، نک: علامه

حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۲۵، ۲۴۱، ۲۵۶) این احتمال را تقویت می‌کند که شاید او طریق دیگری غیر از طریق احمد بن طاووس به کتاب *الضعفاء*، و به اثری غیر از آن هم دسترسی داشته است. چالش پیش‌روی این احتمال آن است که در اجازات موجود از علامه حلی طریقی برای کتاب ابن غضائری نمی‌بینیم. البته، در اجازات شهید ثانی و حسین خوانساری طریقی برای علامه حلی به کتاب نقل شده؛ اما در آن کتاب *الضعفاء* به حسین بن عبیدالله غضائری منتسب است (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱/۴۴).

شهید ثانی هم طریقی به اثر نقل می‌کند که می‌تواند حاکی از آن باشد که کتاب را به وساطت نجاشی در اختیار داشته است (شهید ثانی، ۱۳۸۰ش، ۲/۱۱۲۸). باین‌حال، گذشته از احتمال وقوع تصحیف در عبارت وی (قس: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۴/۹۰)، دلیل دیگری نیز داریم که سبب می‌شود بتوانیم اطمینان یابیم نسخه‌ای به طریقی غیر از ابن طاووس در اختیار داشته است. آن دلیل این است که او طریقی دیگر به کتاب را هم به نقل از شیخ طوسی می‌آورد که در آن اثر به حسین بن عبیدالله غضائری منسوب می‌شود (شهید ثانی، ۱۳۸۰ش، ۱۱۲۶). این در حالی است که می‌دانیم شیخ طوسی در زمان تألیف *الفهرست* اثری از ابن غضائری در دست نداشته است (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲)؛ هم‌چنان‌که می‌دانیم نجاشی و ابن حجر عسقلانی که ترجمه حسین بن عبیدالله را از *فهرست* شیخ طوسی نقل کرده‌اند، اثری رجالی برای او نام نبرده‌اند (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۶۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۳۱ق، ۲/۵۳۴).

به‌هرحال، حتی اگر بپذیریم ابن طاووس و دیگر ناقلان کتاب *الضعفاء* به آن طریقی متصل نداشته‌اند، نباید از یاد ببریم که بسیاری از آثار مقبول نزد فقیهان و محدثان هم چنین اند. از آن سو، می‌دانیم علامه حلی و ابن داوود و فقیهانی مانند محقق حلی و پسینیان ایشان با وجود سخت‌گیری در قضاوت‌های رجالی به کتاب *الضعفاء* اعتماد نموده‌اند (نک: خواجویی، ۱۴۱۳ق، ۲۹۴). پس ناشناخته ماندن طریق گذشتگان به آن دلیلی کافی برای نفی انتسابش به مؤلف نمی‌تواند باشد. افزون بر این‌ها همه، قرائنی کهن‌تر از سده ۷ق در دست است که نشان می‌دهد غیر از ابن ادریس دیگران هم به دست‌خطها و داده‌هایی درباره ابن غضائری دسترسی داشته‌اند (نک: یاقوت، ۱۹۹۳ق، ۱/۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۴/۸۱؛ افندی، ۱۴۳۱ق، ۲/۱۳۵).

پ) ناهمخوانی متن اثر با گزارش‌ها از اقوال ابن غضائری

در حواشی *الذریعه* (۴/ ۲۸۹) برای رد نسبت کتاب *الضعفاء* به ابن غضائری به این استناد می‌شود که در این کتاب، تفسیر عسکری اثری مجعول، و چند راوی آن — از جمله محمد بن قاسم استرآبادی — ضعیف و کذاب شناسانده می‌شوند (ابن غضائری، ۱۳۸۰ ش، ۹۸). وجه استدلال این است که حسین بن عبیدالله غضائری پدر مؤلف کتاب *الضعفاء* راوی این تفسیر، و از عالمان بزرگ شیعه است و بعید به نظر می‌رسد مجعولیت تفسیر بر پدر مخفی بماند و فرزندش آن را دریابد. هم‌چنین، استدلال می‌کنند که ابن بابویه این تفسیر را از معاصر خود محمد بن قاسم استرآبادی روایت می‌نماید؛ چه‌گونه می‌توان پذیرفت او معاصر خود را به درستی شناسد، اما ابن غضائری ضعیف و کذب او را دریابد؟

در مقام نقد، نخست باید گفت که رأی حسین غضائری و ابن بابویه ربطی به تحلیل ابن غضائری ندارد. این هم که تفسیر عسکری را حسین غضائری روایت کرده باشد بی‌پایه است. تنها در نسخه‌ای منسوب به محقق کرکی طریقی به تفسیر عسکری ذکر می‌شود که نشان می‌دهد وی این تفسیر را به اسناد حسین غضائری در اختیار داشته است (تفسیر عسکری، ۱۴۰۹ ق، ۷۲۲). وانگهی، بر فرض صحت نسبت سند به حسین غضائری، باز با ملاحظه طریقی دانسته می‌شود که حسین غضائری این اثر را در آثار ابن بابویه یافته، و بر پایه آن‌ها نقل کرده است (نک: ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش، ۱۱؛ همو، ۱۳۶۲ ش، ۴۵؛ همو، ۱۳۷۸ ش، ۱/ ۲۹۱؛ همو، ۱۴۰۳ ق، ۳۷؛ همو، ۱۳۸۵ ش، ۱/ ۱۴۰).

هرگز قرینه‌ای حاکی از رواج روایت تفسیر عسکری در میان شیعیان مکتب بغداد نداریم. باین‌حال، حتی اگر فرض کنیم حسین غضائری نسخه این تفسیر را نقل کند، چنین عملی لزوماً حاکی از اعتماد او به اثر و تأیید انتساب آن به مؤلف مزعومش نیست. گزینش یک خبر می‌تواند به خاطر پذیرش متن آن یا به دیگر دواعی باشد (نک: اکبری، ۱۳۹۷ ش، ۳-۴-۲)؛ هم‌چنان‌که شیخ مفید ضمن طعن بر نسخه کتاب سلیم بن قیس (شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق، ۱۴۹)، اندکی از اخبارش را به جهاتی روایت کرده است (قس: همو، ۱۴۱۳ ق، ۲۷۷؛ کتاب سلیم، ۱۴۰۵ ق، ۲/ ۷۲۳). لازم به یادآوری است که مطالعات جدید مؤید این دیدگاه ابن غضائری در مورد تفسیر عسکری است (نک: مددی، ۱۳۹۳ ش، شوشتری، ۱۴۰۱ ق، انصاری، ۱۳۹۲ ش، همو، ۱۳۸۶ ش، سراسر آثار).

اشکال دیگری که به اصالت کتاب *الضعفاء* گرفته‌اند تفاوت گزارش‌های نجاشی از ابن غضائری با آراء موجود در نسخه کتاب است. خویی (۱۴۱۳ق، ۹۶) با مقایسه ترجمه *خَبیری بن علی طحّان* کوفی در رجال نجاشی و کتاب *الضعفاء* ابن غضائری نتیجه می‌گیرد آن‌چه در کتاب *الضعفاء* کنونی مشاهده می‌شود غیر از آنی است که نجاشی از ابن غضائری نقل می‌کند. بالاین‌حال، دست‌کم در این مورد خاص می‌توان تفاوت‌ها را حمل بر اختصارگرایی و نقل به مضمون کرد (قس: ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ۵۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۵۴).

در سخن از دیگر موارد نیز، اختلاف الفاظ برخی از گزارش‌های نجاشی از ابن غضائری با نسخه موجود کتاب *الضعفاء* هرگز در حدی نیست که معنا تغییر یافته باشد. نجاشی در یک مورد عبارت «قال لنا احمد...» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۵۵) را آورده، و در جایی نیز به هم‌درس بودنش با ابن غضائری (همان، ۸۳، ۲۶۹) اشاره کرده است. شاید بتوان محتمل دانست که اختلاف نقل‌های وی با متن کتاب *الضعفاء*، نتیجه آن است که نجاشی برخی آراء ابن غضائری را نه از روی اثری مکتوب، که بر پایه نقل‌های شفاهی وی دریافت کرده، و در اثر خود گنجانده است. نقل به مضمون کردن اقوال دیگران در اثر نجاشی نمونه‌های دیگری نیز دارد (برای نمونه، قس: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۱؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ۴۷۱). گذشته از این، غالب موارد منقول از ابن غضائری با لحن شفاهی در اثر نجاشی (برای نمونه، نک: همان، ۳۲۵) درباره نسخه‌شناسی است؛ حیطه‌ای که خارج از بحث‌های ابن غضائری در کتاب *الضعفاء*، و موضوع دیگر آثار وی است.

نتیجه

چنان‌که دیدیم، اقوال ابن غضائری مورد توجه عالمان حدیث معاصر وی در مکتب بغداد بود. در سده‌های بعد نیز عالمانی هم‌چون علامه حلی و محقق حلی آن را مورد اعتماد دانستند. تا اوایل سده ۱۱ق اعتماد غالب عالمان به این اثر ادامه داشت؛ اما از دوران محمدتقی مجلسی با شکل‌گیری جریان فکری اخباری بی‌اعتباری آراء ابن غضائری شهرت پیدا کرد. سبب آن بود که اخباریان می‌انگاشتند باید میان پذیرش آراء ابن غضائری یا پذیرش بسیاری از روایات، یکی را برگزینند. همان زمان نیز عالمانی بودند که با این رویکرد موافقت نداشتند. بالاین‌حال، این رویکرد انتقادی تأثیر خود را بر عالمان حدیث‌گرای دوران صفوی به بعد برجای گذاشت. به هر روی، هیچ یک از

این عالمان اخباری نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری را مردود و باطل ندانستند. در سده‌های بعد، به‌مرور نگرش‌های انتقادی جدی‌تری درباره کتاب مطرح شد؛ نگرش‌هایی که رکود علمی سده‌های میانی و از میان رفتن بسیاری از آثار متقدم را مغفول می‌نهاد و توجهی به سهم آن در کاستی گرفتن گزارش‌ها از آثار کهن نمی‌کرد. گسترش بیش‌ازپیش رویکرد اخباری، رواج تلقی‌های نادرست از روش‌های روایت کتب، و تغییرات نسخه‌ها نیز به تردیدها دامن زد. این‌گونه، برخی برای نخستین بار در دوران معاصر کتاب الضعفاء را از اساس جعلی دانستند؛ دیدگاهی که نخستین بار در الذریعه مطرح شد و البته انتساب آن به مؤلف الذریعه نیز با ابهاماتی مواجه است. به هر روی، شمار گسترده‌ای از معاصران این رویکرد را پذیرا شدند و در تکمیل استدلال‌ها به نفع آن کوشیدند. این منتقدان اموری را حاکی از مجعولیت کتاب الضعفاء تلقی کردند که در شیوه نقل آثار مشهور و پذیرفته دیگر نیز کمابیش نمونه داشت.

چنان‌که دیدیم نمی‌توان پذیرفت شخصی جاعل و معاند برای تخریب امامیه نسخه‌ای به نام ابن غضائری جعل کرده باشد. تطابق گزارش‌های کتاب الضعفاء با گزارش‌های نجاشی، اهتمام بالای رجالیان متقدم به این اثر، و دیگر قرائن رجالی، تاریخی و فرقه‌شناسی مانع از قبول این فرضیه اند؛ قرائنی مثل این که در مطالبی از کتاب الضعفاء نیز که در رجال نجاشی نیامده است، رویکرد ستیز با راویان موثق امامیه را نمی‌توان دید. در توضیح سبب اختلاف نقل‌های نجاشی از ابن غضائری با متن کتاب الضعفاء نیز باید گفت بنا بر شواهدی، نجاشی به تألیفات ابن غضائری در دو زمینه جرح و تعدیل و نسخه‌شناسی دسترسی داشته، که به ظن قوی کتاب الضعفاء یکی از آنها بوده است. نجاشی همواره از ابن غضائری شفاهی یا به‌واسطه نقل نمی‌کند. این هم که در طبقات بعد عالم دیگری متصدی تجمیع کلمات ابن غضائری در یک نسخه شده باشد شاهدی ندارد.

برپایه مجموع آنچه گفته شد می‌توان دریافت نویسنده کتاب الضعفاء یک عالم امامی محتاط است که اوصافش با آنچه درباره ابن غضائری گفته‌اند مطابقت دارد و می‌توان برپایه شواهد تاریخی انتساب کتاب را به او تأیید کرد.

منابع

- ۱- آبی ازهری، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ق)، *کشف الرموز*، قم، جامعه مدرسین.
- ۲- آرام، محمدرضا (۱۳۷۵ش)، *تحقیقی پیرامون شخصیت و کتاب رجالی ابن غضائری*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳- _____ (۱۳۹۸ش)، «جایگاه علمی رجال ابن غضائری نزد علماء رجال از سده پنجم هجری تاکنون»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، سال بیست و چهارم، شماره ۶۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش.
- ۴- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۹۸۳م)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دار الاضواء.
- ۵- _____ (۱۳۲۹ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، نسخه دست نویس مؤلف در کتابخانه مجلس (تهران).
- ۶- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، *السرائر*، قم، جامعه مدرسین.
- ۷- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران، اسلامیه.
- ۸- _____ (۱۳۶۲ش)، *صفات الشیعة*، تهران، اعلمی.
- ۹- _____ (۱۳۸۵ش)، *علل الشرائع*، قم، داوری.
- ۱۰- _____ (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا*، به کوشش مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- ۱۱- _____ (۱۴۰۳ق)، *معانی الاخبار*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۲- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۳۱ق)، *لسان المیزان*، به کوشش محمد عبدالرحمان مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۳- ابن داوود حلی، تقی الدین حسن بن علی (۱۴۰۵ق)، *الرجال*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- ۱۴- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.
- ۱۵- ابن طاووس، احمد بن موسی (۱۴۰۸ق)، حل الاشکال فی معرفة الرجال، بخش‌های بازمانده ضمن التحریر الطاووسی صاحب‌معالم، به کوشش محمدحسن ترحینی، بیروت، اعلمی.
- ۱۶- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸ق)، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، قم، دار الذخائر.
- ۱۷- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰ش)، الضعفاء، به کوشش محمد رضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث.
- ۱۸- ابن ماکولا، علی بن هبة الله (۱۴۱۱ق)، الاکمال، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۹۹۰م.
- ۱۹- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۸۷ش)، اصول دین، به کوشش محسن صادقی، قم، بوستان کتاب.
- ۲۰- _____ (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۱- اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، جامع الرواة، بیروت، دار الاضواء.
- ۲۲- استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، منهج المقال، قم، آل البيت.
- ۲۳- استرآبادی، محمدامین بن محمدشریف (۱۴۲۶ق)، الفوائد المدنیة، به کوشش رحمة الله رحمتی، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۴- اشکوری، احمد (۱۴۳۰ق)، علی هامش الذریعة، قم، مرکز نشر نور.
- ۲۵- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۴۳۱ق)، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی اشکوری، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی.
- ۲۶- اکبری، عمیدرضا (۱۳۹۷ش)، بررسی اختلافات مبانی قدما و متأخران در تضعیفات رجالی، پایان‌نامه سطح ۳ حوزه علمیه، قم، مدرسه فیضیه.
- ۲۷- امین، محسن (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف.
- ۲۸- انصاری، حسن (۱۳۶۷ش - الف)، «ابن عبدون»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد چهارم، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- ۲۹- _____ (۱۳۶۷ش - ب)، «ابن غضائری»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، جلد چهارم، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۳۰- _____ (۱۳۸۶)، «تحقیقی درباره منشأ متن موجود تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ع»، پایگاه کاتبان^۱، دسترسی در مردادماه ۱۳۹۸ش.
- ۳۱- _____ (۱۳۹۲ش)، «تفسیر عسکری چگونه پرداخته شده؟»، پایگاه کاتبان^۲، دسترسی در مردادماه ۱۳۹۸ش.
- ۳۲- بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی (۱۳۶۳ش)، *الفوائد الرجالية*، به کوشش حسین و محمد صادق بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق.
- ۳۳- بهبودی، محمد باقر (۱۳۷۶ش)، «حسن بن محبوب کوفی»، *فقه*، شماره ۱۱-۱۲.
- ۳۴- _____ (۱۴۲۷ق)، *معرفة الحديث*، بیروت، دار الهادی.
- ۳۵- بهبهانی، محمد باقر (۱۴۲۲ق)، *تعليقة على منهج المقال*، ضمن *منهج المقال* استرآبادی، قم، آل البيت.
- ۳۶- _____ (۱۳۶۲ش)، *الفوائد الرجالية*، ضمن *رجال خاقانی*، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳۷- بهشتی، ابراهیم (۱۳۹۰ش)، *اخباری گری، تاریخ و عقاید*، قم، دار الحدیث.
- ۳۸- پشایی آقابابا و دیگران (۱۳۹۷ش)، «تحلیل و نقد نظریه شوشتری درباره آراء رجالی ابن غضائری»، *کتاب قیوم*، سال هشتم، شماره ۱۹.
- ۳۹- تفرشی، مصطفی بن حسین (۱۳۷۷ش)، *نقد الرجال*، قم، آل البيت.
- ۴۰- تونی، عبد الله بن محمد (۱۴۱۵ق)، *الواقیة*، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- ۴۱- جلالی، مهدی (۱۳۸۴ش)، «جستاری در باب نسبت کتاب *الضعفاء* به ابن غضائری»،

¹. ansari.kateban.com/post/1091.

². ansari.kateban.com/post/2095.

- مطالعات اسلامی، شماره ۶۸.
- ۴۲- _____ (۱۳۸۳ش)، «روش ابن غضائری در نقد رجال»، *مطالعات اسلامی*، شماره ۶۵-۶۶.
- ۴۳- حسینی جلالی (۱۳۸۰ش)، مستدرکات بر رجال ابن غضائری (نک: همین منبع).
- ۴۴- خواجویی، اسماعیل بن محمدحسین (۱۴۱۳ق)، *الفوائد الرجالية*، به کوشش مهدی رجایی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۴۵- خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین (۱۳۹۰ق)، *روضات الجنات*، به کوشش اسدالله اسماعیلیان، قم، اسماعیلیان.
- ۴۶- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث*، قم.
- ۴۷- درایتی، مصطفی (۱۳۹۰ش)، *فهرستگان نسخه‌های خطی*، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- ۴۸- سبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق)، *کلیات علم الرجال*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- ۴۹- سبط شهید ثانی، محمد بن حسن (۱۴۱۹ق)، *استقصاء الاعتبار*، قم، آل البيت.
- ۵۰- سبط شهید ثانی، علی بن محمد (۱۳۹۸ق)، *الدر المنثور*، قم، چاپخانه مهر.
- ۵۱- شبیری، محمد جواد (۱۳۸۸ش)، *منابع شیخ طوسی*، اصفهان، مرکز آموزشهای تخصصی حوزه علمیه اصفهان.
- ۵۲- شمشیری، رحیمه (۱۳۸۵ش)، «روش و عملکرد عمومی نجاشی در فهرست»، *علوم حدیث*، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- ۵۳- _____ و جلالی، مهدی (۱۳۸۵ش)، «روش نجاشی در نقد رجال»، *علوم حدیث*، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- ۵۴- شوشتری، محمدتقی (۱۴۰۱ق)، *الاحبار الدخیلة*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- ۵۵- _____ (۱۴۱۹ق)، *قاموس الرجال*، قم، جامعه مدرسین.

- مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۵، سال بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۸ش _____
- ۵۶- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق)، *غایة المراد*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۵۷- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، *مسالك الافهام*، قم، مؤسسه المعارف.
- ۵۸- _____ (۱۳۸۰ش)، *الرسائل*، به کوشش رضا مختاری، قم، بوستان کتاب.
- ۵۹- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم، دار الثقافة.
- ۶۰- _____ (۱۳۷۳ش)، *الرجال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین.
- ۶۱- _____ (۱۴۲۰ق)، *الفهرست*، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.
- ۶۲- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ مفید.
- ۶۳- _____ (۱۴۱۴ق)، *تصحیح اعتقادات الإمامیه*، به کوشش حسین درگاهی، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ مفید.
- ۶۴- صاحب‌مدارک، محمد بن علی (۱۴۱۱ق - الف)، *مدارک الاحکام*، بیروت، آل البيت.
- ۶۵- _____ (۱۴۱۱ق - ب)، *نهاية المرام*، قم، جامعه مدرسین.
- ۶۶- صاحب‌معالم، حسن بن زین‌الدین (۱۴۰۸ق)، *التحریر الطاووسی*، به کوشش محمدحسن ترحینی، بیروت، اعلمی.
- ۶۷- طباطبائی، عبدالعزیز (۱۴۲۰ق)، *مقدمه فهرست کتب الشیعة للطوسی*، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.
- ۶۸- عمادالدین طبری، محمد بن علی (۱۳۸۳ق)، *بشارة المصطفی*، نجف، المکتبه الحیدریه.
- ۶۹- عاملی، حسین بن عبد الصمد (۱۴۲۶ق)، *تقدیم الشیاع علی البید*، قم، دائرة المعارف فقه اسلامی.
- ۷۰- *تفسیر عسکری* (۱۴۰۹ق)، قم، مدرسه الامام المهدي (ع).
- ۷۱- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *الرجال*، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، قم، دار الذخائر.

- ٧٢- _____ (١٤١٣ق)، *مختلف الشيعة*، قم، جامعة مدرسین.
- ٧٣- فقهی زاده، عبد الهادی (١٣٨٩ش)، «مشایخ نجاشی و بررسی وثاقت عمومی آنان»، *نشریه حدیث پژوهی*، سال دوم، شماره ٤.
- ٧٤- _____ و بشیری، مجید (١٣٩٦ش)، «ابن غضائری، کتاب الضعفاء و مسئله انتساب»، *کتاب قیم*، سال هفتم، شماره ١٧.
- ٧٥- قاسم پور، محسن (١٣٩٢ش)، «مقایسه دیدگاه های رجالی ابن غضائری و نجاشی»، *حدیث پژوهی*، سال پنجم، شماره ٩.
- ٧٦- قهپایی، عنایة الله (١٣٦٤ش)، *مجمع الرجال*، به کوشش ضیاء الدین علامه، قم، اسماعیلیان.
- ٧٧- *کتاب سلیم بن قیس هلالی* (١٤٠٥ق)، به کوشش محمد انصاری زنجانی، قم، الهادی.
- ٧٨- کشی، محمد بن عمر (١٤٠٩ق)، *معرفة الرجال*، اختیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ١٣٤٨ش.
- ٧٩- کلباسی، ابوالمعالی بن محمد (١٤٢٢ق)، «رسالة فی النجاشی»، *الرسائل الرجالية*، به کوشش محمد حسین درایتی، جلد دوم، قم، دار الحدیث.
- ٨٠- کلباسی، ابوالهدی بن ابی المعالی (١٤١٩ق)، *سماة المقال*، به کوشش محمد حسینی قزوینی، قم، ولی عصر (ع).
- ٨١- ماحوزی، سلیمان بن عبد الله (١٤١٢ق)، *معراج اهل الکمال*، به کوشش مهدی رجایی، بی جا، عویناتی.
- ٨٢- مامقانی، عبد الله بن محمد حسن (١٤٣١ق)، *تنقیح المقال*، قم، آل البيت.
- ٨٣- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (١٤٠٦ق)، *روضة المتقین*، به کوشش حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتیاردی، قم، کوشان پور.
- ٨٤- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (١٤٠٣ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ٨٥- _____ (١٤٢٠ق)، *الوجیزة فی الرجال*، به کوشش محمد کاظم رحمان ستایش،

تهران، مجموعه آثار همایش بزرگداشت علامه مجلسی.

۸۶- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، *المعتبر*، به کوشش محمد علی حیدری و دیگران، قم، سید الشهداء (ع).

۸۷- _____ (۱۴۱۳ق)، *الرسائل التسع*، قم، کتابخانه مرعشی.

۸۸- مددی، احمد (۱۳۹۳ش)، *نگاهی به دریا*، قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

۸۹- مطهری، مصطفی (۱۳۸۹ش)، «اثری رجالی از میراث شیعیان حلب»، *حدیث حوزه*، شماره ۱.

۹۰- مقداد سیوری (۱۴۰۴ق)، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، قم، کتابخانه مرعشی.

۹۱- میرداماد، محمد باقر بن محمد (۱۳۱۱ق)، *الرواشح السماویة*، قم، دار الخلافة.

۹۲- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *الرجال*، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین.

۹۳- یاقوت حموی (۱۹۹۳م)، *معجم الادباء*، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار الغرب الاسلامی.